

www.azkarak.com

# الاعمال الصالحة مؤلف: مولانا جلال الدین محقق: محمد رفیع

بر اساس نسخہ موزہ مولانا



به کوشش: سلمان مفید

## فهرست مطالب

نه	مختصری درباره مجالس سبعه
دوازده	چاپ حاضر مجالس سبعه
۱	المجلس الأول
۴۲	المجلس الثاني
۴۲	من فوائدہ رزقنا الله من هوائه
۴۲	مناجات
۴۸	رباعی:
۵۵	المجلس الثالث
۵۵	مناجات
۶۰	حکایت
۶۷	المجلس الرابع
۶۸	مناجات
۷۸	المجلس الخامس
۷۸	من بیانه نَوْرنا الله بنور عرفانه
۷۹	مناجات
۸۹	المجلس السادس
۹۰	مناجات
۹۴	المجلس السابع
۱۰۷	فهرست منابع
۱۰۹	فهرست آیات
۱۱۱	فهرست احادیث و اقوال
۱۱۳	فهرست اعلام و اصطلاحات



## مختصری دربارهٔ مجالس سبعة

«مجالس سبعة» مجموعه هفت وعظ یا خطابهٔ مولانا جلال‌الدین بلخی و در کنار «فیه ما فیه» و «مکتوبات» در زمرهٔ آثار منتشر مولانا جلال‌الدین است. تنظیم و تحریر مجموعهٔ هفت مجلس کتاب حاضر احتمالاً به همت سلطان ولد، فرزند مولانا صورت گرفته است، چرا که اسانی از «ولدنامه» او در کتاب دیده می‌شود. برگزاری مجالس وعظ در خانقاه‌های صوفیه امری دایر و رایج بوده است. می‌دانیم که در سلسلهٔ طریقت مولانا، از زمان پدرش بهال‌الدین محمد بلخی این سنت جاری بوده است. در این گونه مجالس شیخ و مرشد، مریدان و اصحاب را به معارفی از قرآن و لطایفی از احادیث و اخبار و دقایقی از اصول عرفانی توجه می‌داده‌اند.<sup>۱</sup> مجموع این گفتارها معمولاً به همت یکی از مریدان شیخ تحریر می‌شده است. «فیه ما فیه» نیز از این قبیل است. زبان و بیان «فیه ما فیه» و «مجالس سبعة» یکی است. هر دو با زبانی عارفانه، با دلایل، حکایات، آیات و احادیث و اقوال طالبان را به راه حق ارشاد می‌کند. اگر بخواهیم میان این دو متن فرقی جستجو کنیم باید گفت که «فیه ما فیه» عاشقان درویشان را خطاب کرده و نشئهٔ معارف در آن غالب است؛ اما «مجالس سبعة» در محضر خلق ایراد شده و بنابراین موعظه‌آمیز از کار درآمده است؛ لیکن در هر دو کتاب نشئهٔ مولانا نمایان است. (نقل با تصرف از مقدمهٔ مکتوبات) و جهةٔ عارفانهٔ مواضع «فیه ما فیه» این ظن را تقویت می‌کند که «مجالس

۱. معارف سلطان ولد، صفحهٔ هجده.

سبعة» از آثار ابتدایی مولانا جلال‌الدین است.

مولانا جلال‌الدین از ابتدا به طریقه و سیرت پدرش مولانا بهاء‌الدین ولد، به درس گفتن و موعظه کردن و ریاضت مشغول بود. احتمالاً «مجالس سبعة» پیش از دیدار مولانا و شمس تنظیم شده است، چرا که مولانا پس از دیدار شمس کمتر به درس و وعظ می‌پرداخت و به اشارت او به سماع می‌پرداخت:

«... بنا بر اشارت ایشان امثال فرمودند و در سماع درآمد، آن چه اشارت فرموده بودند در حالت سماع مشاهده کرده، به معاینه دیدند و تا آخر عمر بر آن سیاق عمل کردند و آن را از طریق و آئین ساختند»<sup>۱</sup>.

چنان که از گزارش‌های معدود دربارهٔ مجلس‌گویی مولانا برمی‌آید، مجالس معمولاً با قرائت قرآن «حفاظ شیرین‌الفاظ» پیش از وعظ آغاز می‌شده‌اند.<sup>۲</sup> ساختار کلی مجالس چنین است که ابتدا با خطبه‌ای به زبان عربی آغاز می‌شود. موضوع خطبه مانند دیگر خطبه‌های آغاز کتب، سلام و درود بر بزرگان دین و سپاس خداوند است. پس از آن در برخی مجالس مناظراتی مسجع به زبان فارسی است. آغاز وعظ با بیان حدیثی است که تفسیر آن محور اصلی مجلس است. در پی تفسیر حدیث است که مولانا حکایت‌هایی مرتبط با موضوع را بیان می‌کند و اشعار، امثال و داستان‌هایی پندآموز را شاهد می‌آورد. در بعضی مجالس حکایت‌ها طولانی و متعدّدند، مانند حکایت برصیصا در مجلس اول؛ و گاه مختصرند؛ لذا مجالس هفت‌گانه کتاب هم‌اندازه نیستند و مجلس نخست طولانی‌ترین و مجلس ششم کوتاه‌ترین مجلس کتاب است. در ضمن تفسیر احادیث، گاه مولانا به تفسیر آیه‌هایی از قرآن نیز می‌پردازد که مفضل‌ترین آن‌ها تفسیر «بسم‌الله الرحمن الرحیم» در مجلس نخست است.

کتاب «مناقب العارفين» شمس‌الدین افلاکی در چند حکایت به مجالس مولانا اشاره کرده است. مطالعه این حکایت‌ها در شناخت چگونگی مجالس سودمند است. دو حکایتی که در ادامه نقل شده، گزینشی از حکایت‌های این کتاب است:

«از باران قدیم مروی است که حضرت مولانا در مسجد قلعه روز جمعه تذکیر می فرمود و مجلس به غایت گرم شده بود و تمامت صدور و بدور حاضر بودند و در بسط کلام و تقریر غریب تفسیر ید بیضا می نمود و درر غریب و امثال و حکایات و اشعار مناسب آیات نثار می فرمود و از هر گوشهٔ تحسین ها و آفرین ها تا به منجوق عتیق می پیوست و مداحان ها رباعی ها می گفتند و مقربان خوش الحان سحرها می کردند؛ حکم فقیهی از سر علتی که در دل داشت گفته باشد که اغلب واعظان آیاتی چند از قرآن مناسب وقت و ایام اختیار می کنند تا مقربان آن را می خوانند و ایشان در آن باب استحضار کرده از هر کتابی و تفسیری اقوال غریب فرو می شمردند و آن موافق طبع انام می آید، اما واعظی که بر افاضت معانی و ابداع لطایف قادر باشد و در هر فنی ماهر آنست که بیدیه از هر جایی که حقاقت بخوانند در آن باب حوض کند و از فوائد عجیب علمای عالم را محبت خود گرداند؛ همانا که مولانا در عین استغراق بدان فقیه اشارت فرمود که در قرآن مجید سوره ای که به خاطر آید بخوان تا عجایب بینی؛ سلطان و امرا و سایر خلق حیران آن اشارت گشتند؛ همانا که فقیه نا نبیه سوره «الضحی» را فرو خواند؛ حضرت مولانا فرمود که خواص حضرت الهی که جاسوس القلوب اند، چون در صحبت ایشان رسی، به حضور دل و صدق تمام بنشین تا از سعادت سرمدی بی نصیب نمانی.

ای مری کرده پیاده با سوار  
 سر خواهی برد اکنون پای دار  
 تو مری با همچو خود موشان بکن  
 با شتر مهر موش را نبود سخن  
 پس آنگاه سر آغاز تفسیر و تحقیق سوره «الضحی» کرده، چندانی معانی و دقائق بیان کرد که در تقریر بیان آید؛ و تا قرب نماز مغرب مجلس کشید و هنوز در تقریر «واو» قسم «والضحی» غریب و نوادر می فرمود؛ حاضران مجلس تمامیت مست گشته، همان دم آن فقیه منکر برخاست و سر برهنه کرده و جامه ها چاک زده، زاری کنان پایهٔ منبر را بوسه ها داده، با اعتقاد کامل و صدق بی غل بنده و مرید شد و آن روز تمامت خواص مردم ارادت آورده، غلوی عام شد؛ و گویند و عظم آخرین خداوندگار همان بود؛ دیگر به تذکیر شروع فرمود و به طریق دیگر لاینقطع به

تذکیر و تقریر مشغول بود»<sup>۱</sup>.

«هم‌چنان در مثل است که حضرت مولانا در اوایل جوانی روزی در میان موعظه بر سر منبر مگر حکایت خضر و موسی را علیهماالسلام تقریر می‌کرد و یار ربانی مفخر الابرار شمس‌الدین عطار در گوشهٔ مسجد به حضور تمام نشسته بود؛ در اثنای آن بیان شخصی را دید به صورت عجیب در گوشهٔ دیگر نشسته، هر بار سر می‌جنباند و می‌گفت: راست می‌گوئی و نیکو نقل می‌کنی، گویا که ثالث ما تو بودی. این درویش چون این کلمه را شنید دانست که خضر است علیه السلام...»<sup>۲</sup>.

### چاپ حاضر مجالس سبعة:

قدیمی‌ترین نسخه‌ای که تاکنون از «مجالس سبعة» به دست آمده، نسخهٔ شمارهٔ ۷۹ موزهٔ مولانا در قونیه است. این نسخه حاوی مجموعهٔ هفت رساله از آثار مولانا مرتبطان او است، به این ترتیب: معارف بها ولد (پدر مولانا)، فیه ما فیه، مکتوبات مولانا جلال‌الدین، مجالس سبعة، معارف برهان‌الدین ترمذی، مقالات شمس، «مجالس سبعة» رسالهٔ چهارم این مجموعه است و از پشت برگ ۸۹ آغاز و به روی برگ ۱۰۷ ختم می‌شود. تاریخ تحریر این نسخه سال ۷۵۲ هجری قمری است که در انتهای «مجالس سبعة» ذکر شده است. به این ترتیب کتابت نسخه با وفات مولانا ۷۹ سال فاصله دارد.

در چاپ حاضر متن «مجالس سبعة» مطابق با این نسخه پیاده شده و با رسم‌الخط امروزی و ویرایش شده است. اشعاری که در متن کتاب آمده تا حدّ مقدور ردیابی شده‌اند و تفاوت آن‌ها با صورت ضبط شده در منابع چاپی در پانویس صفحات ذکر شده است.

۱. مناقب‌العارفین، ص ۱۷۱.

۲. مناقب‌العارفین، ص ۳۳۳. این حکایت در رسالهٔ سه‌سالاره، ص ۹۳ نیز نقل شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ

### [المجلس الاول]

الحمد لله صانع العالم بغير آية العالم بكلّ خطرة و قطرة و قالة و حالة، المنزه عن كلّ صفة يتطرق اليها جواز و استحالة الملك، فليس لأحد ان يخالف حكمه و مثاله، أشعر بالهيته واضح الدلائل، و شهد بوحدايته نظر العقل اذا صادف سداه و اعتداله، غلبت قدرته قدرة كلّ محلول و احتماله، و قضت ارادته ارادة كلّ مصنوع و ماله و وفق شخصاً فانجح سعيد و اصلح باله و كشف حجاب الشبهة عن سره ليشاهد جلاله، و خذل شخصاً فاورده موارم الحيرة و الجهالة و ضيع وقته فاحبط اعماله، و حرّمه لطفه و اكرامه و افضاله.

بعث محمداً - عليه السلم - باللواء المنشور و الحزام المشهور ليخلص الخلق من ورطات الهلك و التبور و اطلع شمس نبوته بحفوفة برهط كالبدور، و انزل على قلبه كتاباً شافياً للقلوب يضيء اضاءة النور «يا ايها الناس قد جئتكم موعظة من ربكم و شفاء لما فى الصدور - يونس/ ٥٧» ارسله الى الحق و هم على الباطل مطبقون عمى و هم لا يبصرون، صم و هم لا يسمعون، بكّم و هم لا ينطقون أيعبدون من دون الله ما لا يخلق شيئاً و هم يُخلقون فسقى بتكذيبه المكذبون و سعد بتصديقه المصدقون، صلى الله عليه و على آله و اصحابه خصوصاً على ابي بكر الصديق التقي و على عمر الفاروق التقي و على عثمان ذى التورين الزكى و على علي المرتضى الوفي و على سائر المهاجرين و الانصار و سلم تسليماً كثيراً كثيراً.

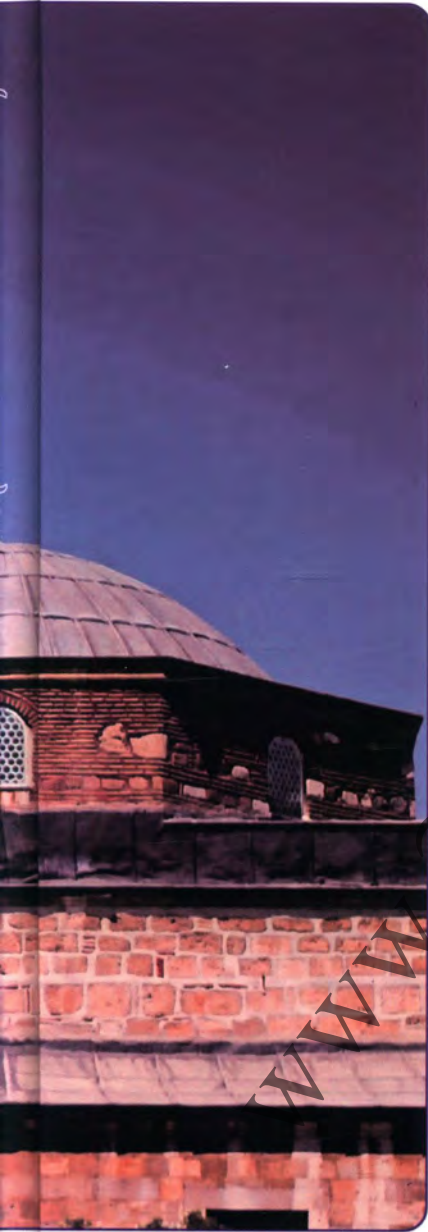


## مناجات

ملکا و پادشاها! آتش‌های حرص ما را به آب رحمت خویش بنشان. جان مشتاقان را شراب وحدت بچشان. ضمیر دل ما را به انوار معرفت و اسرار وحدت منور و روشن دار. دام‌های امید ما را که در صحرای سعت رحمت تو بازگشاده‌ایم به مرغان سعادت و شکارهای کرامت مشرف و مکرم گردان. آه سحرگاه سوختگان راه را به سمع قبول و عاطفت اشباع کن. دود دل بی‌دلان را که از سوز فراق آن مجمع ارواح، هر دم آن دود بر تابخانه فلک بر می‌آید، به عطر وصال معطر گردان. قال و قیل ما را و گفت و شنود ما را که چون پاسبانان بر بام سلطنت عشق چوبک می‌زنند، از اجرای «یوفهم أجوزهم بِعَیْرِ حَسَبٍ - بهر/ ۱۰» نصیب مدام بخشش فرما. قال ما را خلاصه حال گردان. حال ما را از شرفات قال درگذران. ما را از دشمن‌کامی هر دو جهان نگاه دار. آن چه دشمنان می‌خواهند بر ما، از ما دور دار. آن چه دوستان می‌خواهند و گمان می‌برند، ما را عالی‌تر و بهتر از آن گردان. ای خزانه لطف تو بی‌پایان و ای دریای با پهنای باکرم تو بی‌کران.

ابتدای تذکیر به خبری کنیم از اخبار مصطفوی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - آن بشر نذیر و آن نذیر بی‌نظیر، سید المرسلین، چراغ آسمان و زمین. لقد جاء فی اصْحَابِ الْاِیْنَاءِ عَنْ اَفْصَحِ الْاَنْبِیَا عَلَيْهِ اَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ وَ اَعْلَاهَا وَ اَكْمَلُ التَّحَنُّاتِ وَ اَسْنَاهَا - اَنَّهُ قَالَ: «كَسَادَ اُمَّتِي عِنْدَ فِسَادِ اُمَّتِي، اَلَا مِنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فِسَادِ اُمَّتِي فَلَهُ اَجْرُ مِائَةِ اَلْفِ شَهِيدٍ» صدق رسول الله رسول کونین، پیشوای ثقلین، حاضِرُ الْخَاصِّ «لعمرک - حجر/ ۷۲»، مشرف تشریف «لولاک»، فصیح «أنا أفصح للعرب والعجم»، پیشوای «آدم و من دونه تحت لوائی یوم القیمة ولا فخر، الفقر فخری» چنین می‌فرماید که: کساد امت من به هنگام فساد امت من باشد. یعنی هیچ نبی‌ای نیست بعد از من که امت او تفضیل یابند بر امت من، چنان که امت من تفضیل یافت بر امت عیسی و موسی؛ و هیچ دینی نیست که دین مرا منسوخ کند و کاسد کند، چنان که دین من، دین‌های ما تقدّم را منسوخ کرد.

گفتند: یا رسول الله امت تو به چه کاسد شوند؟



«مجالس سیمه» مجموعه هفت وعظی خطابه مولانا جلال‌الدین بلخی و در کنار  
«فیه ما فیه» و «مکتوبات» در زمره آثار مولانا جلال‌الدین است. تنظیم و  
تحریر مجموعه هفت مجلس کتاب حاضر آنست که به دست سلطان ولد فرزند  
مولانا صورت گرفته است، چرا که ابیاتی از «دولنامه» و در کتاب دیده می‌شود.

انتشارات مولی



نیایان انقلاب - چهارراه ابو بکر خان شماره ۱۱۵۸

تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳

